

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

شمی صلواتی  
۱۶ سپتمبر ۲۰۲۴



شمی صلواتی

به مناسبت دومین سالروز قتل حکومتی مهسا «ژینا» امینی

## «در تصور یک رؤیا»

بدون زن زندگی می مرد  
و دنیا خالی از عواطف می شود.  
هیچ دینی، هیچ باوری  
مقدمتر از یک تار موی زن نیست  
که در رقص با باد  
ستون جهل را فرو می ریزد

تا زندگی را معنا می کنند

تصور کن،

اگر باد زنانه نمی وزید  
و خورشید با لطافت خانمانه طلوع نمی کرد  
یا مهتاب زنانه به جنگ سیاهی شب نمی رفت  
زندگی چقدر زمخت و دردناک می شد

تصور کن،

اگر وجود خشم صاعقه زنانه نبود  
و عصبانیت او رنگ و بوی نفرت را می گرفت  
با غضب ابرها را در هم می شکست

و یا باران با هیاهوی زنانه  
به پای هر گل و درختی جاری نمی شد  
و یا رودخانه بدون ترس از ریزش هر دره  
زنانه نمی رقصید  
و زمزمه نمی کرد جسارت را

زندگی چقدر سرد و بی معنا بود

بشنو آه و فریاد مرا  
در این دیار بی انتها و سرد  
که می وزد باد غم از دل  
خانهام را خون گرفت  
می برد تا گم کند امید  
و رؤیاهای من،  
چقدر آرام بی صدا می زنند پر  
شوق فتح آزادی را از دل

نمی دانم که تو،  
آیا تو  
روزی خواهی توانست  
دلم را  
دور از این زخمهای کهنه و پر درد  
این روزگار  
زنانه دور از زمختی ها نقاشی کنی

مثل تنه درخت پیر،  
که ریشه در خاک دارد  
و یا مثل بوسه های قیل از وزش باد  
که عشق را حک می کند در قلب

یا مثل مرگ عقاب در اوج پرواز  
چون موی پریشان دختران در شهر ما  
که در رقص با باد ستون‌های جهل را فرو می ریزند  
در اوج غرور دور از ترس  
مقدسات را در هم می شکند

نه مثل گل پژمرده ای در حاشیه باغ  
که با باد شده باشد هم سفر

من دوباره نویسی می کنم  
قصه دلم را،

از این شبهای تار باید گذشت  
حتی اگر آسمان مه آلوده و بارانی باشد

از من بشنو ای دوست  
که بهار آشنا به درد!  
باطغیان چشمه ها  
همراه با صبح امید، روشنائی  
با باغچه‌های پر از گل می آید...

\*\*\*\*

"شمی صلواتی"